

ایا شكيبائي جنبه تحذیری دارو؟



برخی از دشمنان اسلام خرده میگیرند که اسلام دارای قوانین استعماری می باشد زیرا پیروان خود را از احقاق حقوق مشروعه، محروم ساخته، آنان را به صبر در مقابل ظلم دعوت می کند و در نتیجه آنان را توسری خور بار می آورد بدینطریق روح شهامت و شجاعت را از پیروان خود سلب می نماید بامید اینکه در سرای دیگر اجر و ثواب بآنها داده شود بنابراین شکیبائی درمقابل ظلم و ستم قانونی است که موجب تسلط زورمندان بر ناتوانان می شود.

در پاسخ این ایراد باید گفت که آنچه از مجموع قوانین اسلام در موارد مختلف، استفاده می شود این است که اسلام نه تنها دستور به سکوت و شکیبائی درمقابل تجاوز بحقوق شخصی و اجتماعی را نداده است بلکه دفاع از حقوق خود را، جزو وظایف اولیه هر مسلمانی می داند.

از اینرو در قوانین اسلام می خوانیم که استمداد مظلوم در مقابل ظالم و ستمکار جایز است و او می تواند سروصدا راه اندازد و بهر نحوی که صلاح می داند از جان و مال و ناموس و از حقوق افراد خانواده خود بلکه از حقوق افراد جامعه در صورت لزوم، دفاع نماید حتی اگر در جریان اختلاف بین دوفرد مسلمان، گواه آگاهی بوده باشد در صورت درخواست مظلوم و یا قاضی باید در دادگاه حاضر و اداء شهادت نموده از مظلوم دفاع کند.

آری آنچه در برخی از روایات می خوانیم که "... مَنْ صَبَرَ عَلَى الظُّمِّ وَ كَلَّمَ غِيظَهُ وَ احْتَسَبَ وَعَفَى وَ غَفَرَ كَانَ مِنْ يَدْخُلُهُ اللّٰهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ " ^۱ مراد این نیست

که در مقابل ظلم و ستم و تجاوز بحقوق مسلمانی، او دندان روی جگر گذارده، از حقوق خود دفاع ننماید بلکه این روایت و نظیر آن بیک فضیلت دقیق اخلاقی که مستقیماً با شرف و بزرگواری و عظمت روح اشخاص تماس دارد اشاره می‌کند و آن اینکه مردی که مورد ستم واقع شده است بجهت اینکه اختلافات و شکاف بین مسلمانان بکمترین حد خود برسد و از توسعه آن جلوگیری بعمل آید و ضمناً عظمت روحی خود را ثابت کند و خشم و غیظ خود را فرو نشانند بهتر است با داشتن قدرت و توانائی با انتقام و احقاق حق در مقام انتقام بر نیاید و از گناه و ظلم و ستم او چشم پوشی کند و خداوند نیز در مقابل این گذشت و شهامت روحی و فرو نشاندن آتش خشم برای او اجر و پاداش زیادی در سرای دیگر عطا می‌فرماید.

چنانکه می‌بینید این روایت نه تنها همه مظلوم دستور نمی‌دهد در مقابل تجاوز، دم در نیارد و احقاق حق نکند تا بگوئیم آن، یک دستور استعماری است بلکه چنانکه گفتیم اسلام می‌خواهد با عفو و اغماض، همبستگی مسلمانان را تقویت، و عظمت روحی مظلوم را که از خطای ستمکار طبق دلخواه خود، گذشته نموده است آشکار کند و گرنه مظلوم میتواند از ستمکار عفو نکند و حقوق خود را از او باز ستاند.



★ اقسام صبر —

هر فردی از افراد انسان در طول زندگانی خود خواه ناخواه، دچار انواع گرفتاریها و ناراحتیها و بلاها می‌گردد و کمبودهایی، احساس می‌کند و بطور کلی می‌توان آن را بدو قسم تقسیم کرد

۱- اموری که انسان طبعاً بتحقیق آنها علاقمند است و درحقیقت کمال خود را در تحقق آنها می‌داند و لکن برخلاف میل طبیعی در برخی از موارد بآنها دسترسی پیدا نمی‌کند از قبیل صحت و عافیت و فراهم بودن وسائل زندگی بنحو دلخواه و رسیدن به جاه و مقام و داشتن فرزندان و مثل آنها.

و طبیعی است که احساس کمبود در این امور، انسان را ناراحت و مضطرب می‌سازد و چه بسا انسان را از کوره بدر می‌برد و دچار طغیان و سرکشی می‌سازد و تنها حالت شکیبائی است که بمنزله آبی شعله‌های برافروخته و خشمگین آتش بی صبری را خاموش

و موجب تنبلی خاطر می‌گردد و معنی شکیبایی در این حال این است که بر زندگانی ، وابستگی شدید نداشته ، بداند که نعمتهای خداوند همگی موقتی بوده ، یک‌روز می‌رسد که همه آنها از انسان سلب می‌گردد از اینرو لازمست حق پروردگار را در مال خود با انفاق بمستحقین و نیازمندان بپردازد و بشکرانه نعمتهای بی‌شمار پروردگار ، بخلق او کمک کرده ، بداد مظلومین و بینوایان برسد .

ولکن علاقه بمال و ثروت و خواهش‌های نفسانی ، بزرگترین مانع آرامش و شکیبایی روحی انسان در این مورد میباشد و تنها موفقیت در این کار نیاز بیک مبارزه نفسانی طولانی و عمیق دارد که از عهده همه‌کس ساخته نیست ، از اینرو در برخی از روایات و گفتار بزرگان میخوانیم که تحمل انسان در مقابل اموری که بآنها کاملا علاقمند است و دسترسی بآنها ندارد بسیار شدیدتر از تحمل فشاری است که در مقابل بلا یا مصائب انسان احساس می‌کند زیرا بلا یا ، یک سلسله امور غیر اختیاری است که خواه ناخواه در طول حیات ، بصورت‌های گوناگون برای هرکسی پیش می‌آید و ناگزیر باید تحمل نماید .

۲- اموری که انسان طبعاً بانجام آنها علاقه ندارد و لکن بجهاتی ملزم است آنها را عملی سازد .

و این قسم نیز بنوبه خود ، سه قسم می‌باشد .

★ قسم اول

اموریکه انجام آن برای انسان مقدور میباشد از قبیل اطاعت از امر پروردگار و اجتناب از معاصی و گناهان ، اطاعت از دستورهای خداوند که یک امر اختیاری است در مقابل وسوس شیطانی و هوای نفس چه بسا انجام آن بر انسان مشکل می‌گردد و یا بجهت تنبلی و یا اینکه عمل برخی از عبادات ، موجب صرف مال است مثل حج و پرداخت حقوق مالی و یا بجهت اینکه در برخی از موارد مثل جهاد ، لازمست جان خود را در خطر بیندازد ، این کار یک مشقت روحی است که تحمل آن بر انسانها مشکلاتی ایجاد می‌کند از این جهت که تحقق آن بنحو خداپسندانه ، احتیاج بر اخلاص دارد و یا دور بودن از ریا و تظاهر پیش مردم و خالی بودن از ملاحظات غیر خدائی که خودداری از آنها فشارهایی بر روح انسان وارد می‌سازد ، خداوند در قرآن مجید باین قسم از شکیبایی اشاره می‌کند آنجا که می‌فرماید

"وَلَا تَبْتَغُواْ صُدُقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَدَىٰ" " شما که ایمان دارید صدقه‌های خویش را

بهنمت (گذاردن بر نیازمندان) و ادیت (بآنان) باطل نکنید .

و اما شکیبایی و خودداری از آلودگی به معصیت و گناه از این جهت که ارتکاب گناه مطابق میل شهوانی انسان بوده، داعی قوی روحی و انگیزه نفسانی دارد قابل تمجید بوده درعین حال بسیار مشکل می باشد زیرا نفس هنگام ارتکاب بگناه، به منزله اسب راهواری است که در سراشیبی یا سرعت زیاد حرکت می کند که مهار کردن آن، فوق العاده سخت و دارای خطرهایی است. و واضح است که هرچه آلودگی انسان به معاصی بیشتر باشد کنترل آن مشکل تر می باشد و از اینرو می بینیم که هر معصیتی که در میان جامعه شایع تر و انجام آن آسان تر است خودداری از آن نیز بهمان اندازه دشوار تر است.

روی این ملاحظه شکیبایی در مقابل معصیت از صبر در مقابل مصیبت، ارزش بیشتری داشته حکایت از صفای باطنی و ایمان قوی انسان می کند.

پیشوایان مذهبی ما نیز در گفتارهای پرنفاز خود باین نکته تصریح فرموده اند
 علی (ع) فرمود: **الصَّبْرُ صَبْرَانِ، صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، حَسَنٌ جَمِيلٌ وَ أَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ، الصَّبْرُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْكَ**

یعنی شکیبایی دو قسم است صبر به هنگام مصیبت و آن امری است نیکو و لکن نیکوتر از آن، صبر به هنگام معاصی است.

در اینجا سؤالی است که ممکن است برای برخی از خوانندگان مطرح گردد و آن اینکه بجهت وسيله باید از ارتکاب معصیت بخصوص وقتیکه وسيله ارتکاب گناه از هر جهت فراهم باشد اجتناب کرد؟

در پاسخ آن اجمالاً می گوئیم که باید در این هنگام که نفس در حال طغیان است با توسل به نیروی لایزال الهی بر وساوس شیطانی و هوای نفسانی غلبه نمود و چون آبی شعله های برافروخته باطنی را فرو نشانند چنانکه علی (ع) فرمود
الذِّكْرُ ذِكْرَانِ، ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ، ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ عَلَيْكَ فَيَكُونُ حَاجِزاً. یعنی " یاد خدا دونوع می باشد یکی هنگام مصیبت یاد خدا بودن و برتر از آن، یاد خدا بودن، هنگام معصیت است^۲ تا خداوند بین انسان و معصیت مانعی ایجاد کند (تا مرتکب آن نگردد).

و این برتری از این جهت است که هرچه داعی معصیت قویتر و ارتکاب آن آسانتر باشد شکیبایی در مقابل آن نیز مشکل تر است و در نتیجه خودداری از آن با مقاومت شدید نفس انسان روبرو می گردد و باین سبب ارزش آن نیز بیشتر است.